

۱۴۲۸ هـ

مباحثے دربارہ نکرش و طرز فکر ریاضی دانان

حیات سری اعداد

نویسنده: کنور گھا اسپیر و

مترجم: سعید کریم پور

| | | |
|---|--|---------------------------------|
| Szpiro, George | سروشانه اسپیرو، گئورگ، ۱۹۵۰ - م. | عنوان و پدیدآور |
| | حيات سري اعداد: مباحثي درباره نگرش و طرز فكر رياضي دانان / نويسنده گئورگ اسپیرو؛ مترجم سعيد كريمپور. | مشخصات نشر |
| | تهران: سبزان، ۱۳۹۵ | مشخصات ظاهري |
| | 288 ص. | شابک |
| | 978-600-117-193-2 | و ضميت فهرستنويسی: فيبا يادداشت |
| The secret life of numbers : 50 easy pieces on how mathematicians work and think. | عنوان اصلی: | |
| Mathematics -- History | رياضيات -- تاريخ | موضوع |
| | كريمپور، سعيد، - ، مترجم | شناسه افزوده |
| | QA21 ۱۳۹۵ ح۱۴۸۷ | ردہ بندي کنگره |
| | ۵۱۰ : | ردہ بندي ديوسي |
| | ۴۳۱۶۳۰ : | شماره کتابخانه ملي |



انتشارات سبزان

ميدان فردوسی - خیابان فرصت - ساختمان ۵۴ تلفن: ۰۲۱۹۵۵۸۸۸۴۷۰۴۴

حيات سري اعداد

مباحثي درباره نگرش و طرز فكر رياضي دانان

نويسنده: گئورگ اسپیرو

مترجم: سعيد كريمپور

ناشر: سبزان

خدمات نشر: واحد فني سبزان

۸۸۳۱۹۵۵۸۸۸۴۷۰۴۴

نوبت چاپ: چهارم - ۱۴۰۱

تيرماز: ۴۰۰ نسخه

قيمت: ۱۱۵,۰۰۰ تoman

چاپ و صحافي: کامياب

فروش اينترنتي و online از طريق سایت آي آي کتاب www.iiiketab.com

شابک ۲-۱۹۳-۱۱۷-۹۷۸-۶۰۰-۱۱۷-۱۹۳-۹۷۸-۶۰۰

فهرست مطالب

| | |
|----|---|
| ۷ | مقدمه |
| ۱۱ | بخش اول: قطعاتی از تاریخ |
| ۱۳ | فصل ۱: سال‌های نوسانی کیسه |
| ۱۷ | فصل ۲: آیا دنیا به زودی به آخر می‌رسد؟ |
| ۲۱ | فصل ۳: گوشه دنج زورخ |
| ۲۵ | فصل ۴: دانیل برنولی و حالت‌دهن مرسخت او |
| ۳۱ | بخش دوم: حدس‌های اثبات‌نشده |
| ۳۳ | فصل ۵: کودک یک میلیون دلاری ریاضی‌دانان |
| ۳۹ | فصل ۶: معماهای با هر نام دیگر |
| ۴۵ | فصل ۷: اعداد اول دوقلو، عموزاده و جنسی |
| ۴۹ | فصل ۸: مسئله شماره ۱۶ گریزپای هیلبرت |
| ۵۵ | بخش سوم: مسئله‌های حل شده |
| ۵۷ | فصل ۹: مسئله بازده کارگذارنده کاشی سرامیک |
| ۶۳ | فصل ۱۰: مسئله خاخام کاتالانی |
| ۶۹ | فصل ۱۱: حتی دنباله‌های نامتناهی هم گاهی پایان دارند |
| ۷۳ | فصل ۱۲: اثبات اثبات |
| ۸۱ | فصل ۱۳: آیا حدس پوانکاره سرانجام ثابت شد؟ |

| | |
|-----|---|
| ۸۷ | بخش چهارم: شخصیت‌ها |
| ۸۹ | فصل ۱۴: آخرین کمک به قهرمان یک داستان غم‌انگیز |
| ۹۵ | فصل ۱۵: استاد بی‌دستمزد |
| ۹۹ | فصل ۱۶: ناینده‌ای از یک سیاره دیگر |
| ۱۰۷ | فصل ۱۷: رستاخیز هندسه |
| ۱۱۱ | فصل ۱۸: هدیه خداوند به علم؟ |
| ۱۱۹ | فصل ۱۹: نایب‌رئیس تصویرسازی |
| ۱۲۵ | فصل ۲۰: بازنیسته تنزل شان یافته |
| ۱۳۱ | فصل ۲۱: ارباب بزرگ، استاد پر مراجعه می‌شود |
| ۱۳۷ | بخش پنجم: امور عینی و انتزاعی |
| ۱۳۹ | فصل ۲۲: گره‌ها و «ناگره‌ها» |
| ۱۴۵ | فصل ۲۳: گره‌ها و پیچ خورده‌ها با طناب‌های واقعی |
| ۱۵۱ | فصل ۲۴: اشتباهات کوچک شاید پیامدهای بزرگ داشته باشد |
| ۱۵۷ | فصل ۲۵: قماربازان نادان |
| ۱۶۱ | فصل ۲۶: تتریس مشکل است |
| ۱۶۵ | فصل ۲۷: گروه‌ها، گروه‌های غول‌آسا و گروه‌های خرد |
| ۱۷۱ | فصل ۲۸: حدس نادرست فرما |
| ۱۷۵ | فصل ۲۹: در هم فروریختن نظریه فاجعه |
| ۱۷۹ | فصل ۳۰: سادگی گول زننده |
| ۱۸۳ | فصل ۳۱: زیبایی بی‌قرینگی |
| ۱۸۷ | فصل ۳۲: تصادفی و نه چندان تصادفی |
| ۱۹۳ | فصل ۳۳: چگونه کسی می‌تواند از پریم خود مطمئن باشد؟ |
| ۱۹۷ | بخش ششم: معجون میان‌رشته‌ای |
| ۱۹۹ | فصل ۳۴: یک ریاضی‌دان میان قضات داوری می‌کند (حقوق) |

مقدمه

هرگاه یکی از افراد سرشناس، مهارت خود را با خواندن بیتی از یک شعر مبهم در یک مهمانی رسمی نشان می‌دهد، فردی آگاه و اهل تحقیق تلقی می‌شود. اما با خواندن یک فرمول ریاضی چندان نمی‌شود به این نتیجه رسید. حداکثر، می‌توان انتظار داشت که نگاههای دلسوزانه‌ای به او شود و او را «کتابخوان ترین فرد این جمع» به حساب آورند. به خاطر سرهایی که در جمع حضار به نشان موافقت تکان داده می‌شود، بیشتر بینندگان می‌پذیرند که آنها در ریاضیات چندان ماهر نیستند، هیچ وقت نبوده‌اند و هیچ وقت هم نخواهند بود. در واقع، این کاملاً مایه شگفتی است. تصور کنید که گیلان به شما بگوید در تهجی کردن حروف چندان ماهر نیست، دندانپزشک شما با افتخار به شما بگوید که به زبان‌های خارجی حرف نمی‌زند و مشاور مالی‌تان با خوشحالی بپذیرد که همیشه ولتر و مولیر را با هم اشتباه می‌گیرد. به دلایل فراوان، ممکن است چنین افرادی نادان تلقی شوند. اما در مورد ریاضیات چنین نیست. هر کسی با فهم خود ضعف در این شاخه علمی را در می‌یابد.

من وظیفه خود دانسته‌ام که تلاش کنم این وضع را تا حدی سر و سامان بخشم. کتاب حاضر محتوی مقالاتی است که طی سه سال گذشته در روزنامه سوئیسی نئووه زورترر زیتونگ^۱ و ویرایش یکشنبه‌های آن موسوم به

1. Neue Zürcher Zeitung

“NZZ am Sonntag” درباره ریاضیات نوشتہ‌ام، امید من این بوده و هست که خوانندگان را نه فقط به اهمیت موضوع، بلکه همچنین به زیبایی و خرافت‌های آن واقف سازم. از حکایات و سرگذشت‌های بازیگرانی که غالباً دارای رفتارهای عجیب هستند غفلت نکرده‌ام، اما هر وقت امکانش بوده، درباره تنوری‌ها و اثبات‌ها هم سخن گفته‌ام. پیچیدگی ریاضیات نباید پنهان داشته شود یا بیش از حد مورد تأکید قرار گیرد.

نه این کتاب و نه حرفه من به عنوان یک روزنامه‌نگار ریاضیات با یک نظام و سیاق خطی و منظم پیش نرفته است. بعد از مطالعه ریاضیات و فیزیک در مؤسسه سوئیسی فدرال تکنولوژی^۱ در زوریخ و بعضی تغییرات شغلی، به عنوان خبرنگار نشریه *شوه زورخر زیتونگ* به بیت‌المقدس فرستاده شدم. شغل من تهیه گزارش درباره حوالات خاورمیانه بود. اما علاقه کلی من به ریاضیات هیچ‌گاه رو به کاهش نگذاشت و وقتی کفرانسی درباره تقارن در حیفا برگزار شد سرویراستار خود را مقاعد کردم که مرا به این شهر در شمال فلسطین بفرستد تا جلسه را پوشش دهم. بعداً معلوم شد این یکی از بهترین امامویت‌هایی بوده که من برای نوشن گزارش و مقاله به عهده گرفته‌ام (تقریباً به همان خوبی گشت زدن یک کشتی تفریحی از دانوب تا بوداپست، اما آن داستان دیگری است). از آن پس، گاه و بیگاه به نوشن درباره موضوعات ریاضی پرداختم.

در مارس ۲۰۰۲ من فرصت یافتم که به شکل منظم‌تری به مسائل مورد علاقه خود در ریاضیات پردازم. نشریه “NZZ am Sonntag” به طور ماهانه شروع به انتشار مقالاتی تحت عنوان «جدول ضرب کوچک گئورگه اسپیرو» نمود. من خیلی زود متوجه شدم که استقبال خوانندگان بیش از چیزی بوده که انتظار می‌رفته است: ارائه تاریخ نادرستی برای تولد یکی از ریاضی‌دانان در یکی از ستون‌های اولیه منجر به ارسال تعداد زیادی نامه از سوی خوانندگان شد که

لحن آنها از تمسخر تا خشم، متفاوت بود. یک سال بعد وقتی آکادمی علوم سوئیس، جایزه رسانه‌ها در سال ۲۰۰۳ را به این ستون اعطا کرد، افتخاری برای من بود. در دسامبر ۲۰۰۵ در یک سخنرانی در انجمن سلطنتی در لندن، من به عنوان نامزد مرحله نهایی مسابقه جایزه کمیسیون اروپایی دکارت^۱ برای ارتباطات علمی معرفی شدم.

مايلم از ويراستاران خود در زوريخ - كاترين ماير رrost،^۲ آندریاس هيرشتاين،^۳ كريستيان اسپايچر،^۴ و استفان بتسچون^۵ - به خاطر كار ويرايши صبورانه و عالمانه‌شان، خواهرم اوا بوركه^۶ در لندن برای ترجمه سخت‌کوشانه مقالات تشکر کنم؛ همچنین، از جفری رابينز^۷ از چاپخانه جوزف هنری^۸ در واشنگتن دی. سی برای تبدیل نسخه دستنويس به آنچه که من اميدوارم كتابی خواندنی شود درباره موضوعی که عموماً مثل استخوان، خشك دانسته می‌شود.

گنور گه اسيپيرو

بيت المقدس، بهار ۲۰۰۶

-
1. European Commissionis Descartes Prize
 2. Kathrin Meier-Rust
 3. Andreas Hirstein
 4. Christian Speicher
 5. Stephan Betschon
 6. Eva Burke
 7. Jeffery Robbins
 8. Joseph Henry